

نقش حوزه‌های علمیه در هدایت دینی و اخلاقی در مدارس

زینب حیدری ترازک^۱

چکیده:

هدایت دینی و اخلاقی مدارس یکی از مؤلفه‌های اساسی در شکل‌دهی شخصیت نسل آینده و ارتقای کیفیت تربیت اسلامی است و حوزه علمیه به‌عنوان نهاد اصیل تعلیم و تربیت دینی نقش کلیدی در این فرآیند دارد. پژوهش حاضر با روش تحلیلی-توصیفی و با بهره‌گیری از منابع معتبر حوزوی، آثار علمی پژوهشگاه‌ها، تفسیرهای دینی و مطالعات تطبیقی، به بررسی جایگاه و نقش حوزه علمیه در هدایت دینی و اخلاقی مدارس پرداخته است. داده‌های پژوهش از طریق تحلیل محتوای متون دینی، منابع تاریخی و مطالعات تجربی درباره‌ی تعامل حوزه و آموزش و پرورش گردآوری شده و با رویکرد انتقادی-تحلیلی مورد ارزیابی قرار گرفته است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که حوزه علمیه در پنج محور اصلی، نقش مؤثر و چندلایه‌ای ایفا می‌کند: تأمین و به‌روزرسانی محتوای دینی و اخلاقی مدارس، الگوسازی عملی و اخلاقی از طریق حضور روحانیان، بازتولید ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی، مشارکت پژوهشی و راهبردی در طراحی برنامه‌ها و سیاست‌های تربیتی، و هدایت رفتاری دانش‌آموزان از طریق الگوهای عملی و مشاوره‌ای. بررسی‌ها همچنین حاکی است که استمرار و تعمیق این نقش، مستلزم نهادینه‌سازی همکاری ساختاری میان حوزه و مدارس، بازنگری محتوای آموزشی با توجه به نیازهای نسل جدید، تربیت معلمان و روحانیان تلفیقی، و اجرای برنامه‌های مشترک فرهنگی و تربیتی است.

از این رو، تعامل مؤثر میان حوزه علمیه و مدارس می‌تواند به شکل‌گیری نسلی مؤمن، اخلاق‌مدار و مسئول کمک کند و مسیر هدایت دینی و اخلاقی را در نظام آموزشی کشور پایدار سازد.

واژگان کلیدی: حوزه علمیه، مدارس، هدایت اخلاقی، هدایت دینی

^۱ - مدرسه علمیه زینب کبری (س)، شهرستان هرسین

حوزه‌های علمیه از دیرباز به عنوان مراکز اصلی آموزش علوم دینی، فقه، تفسیر و کلام و نیز پرورش انسان‌های اخلاق‌مدار و هدایتگر جامعه اسلامی شناخته شده‌اند. این نهادها با تربیت روحانیان و انتقال ارزش‌های دینی، نقش بنیادی در شکل‌دهی فرهنگ، هویت و رفتار دینی جامعه داشته‌اند. همزمان، با شکل‌گیری نظام آموزش رسمی در ایران، مدارس به عنوان بستر اصلی تربیت نسل آینده، نیازمند منابع علمی و الگوهای اخلاقی بودند که حوزه علمیه قادر است آن‌ها را تأمین کند. با توجه به جایگاه محوری مدارس در انتقال ارزش‌ها و پرورش شخصیت دانش‌آموزان، تحلیل نقش حوزه در هدایت دینی و اخلاقی مدارس اهمیت ویژه‌ای دارد. این پژوهش با هدف بررسی ابعاد مختلف نقش حوزه‌های علمیه در آموزش، تربیت و فرهنگ‌سازی دینی در مدارس انجام شده است و تلاش دارد نشان دهد چگونه تعامل میان حوزه و مدارس می‌تواند به تقویت ایمان، رشد اخلاقی و ارتقای رفتار دینی دانش‌آموزان منجر شود. بررسی مطالعات پیشین نشان می‌دهد که اکثر پژوهش‌ها، تمرکز خود را بر جنبه‌های محدود آموزش دینی یا تحلیل تاریخی حوزه‌ها معطوف کرده‌اند و کمتر به ترکیب عملی، تربیتی و راهبردی نقش حوزه در مدارس توجه شده است. در مقابل، پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی-توصیفی، ابعاد علمی، تربیتی و فرهنگی این نقش را همزمان مورد بررسی قرار می‌دهد و با تبیین راهکارهای تقویت تعامل حوزه و مدارس، تلاش می‌کند یک دیدگاه کاربردی و جامع ارائه کند. اهمیت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که مدارس، به‌ویژه در دوره نوجوانی و جوانی، بستر شکل‌گیری هویت دینی و اخلاقی دانش‌آموزان هستند و کیفیت آموزش و هدایت دینی آنان مستقیماً بر آینده جامعه تأثیر می‌گذارد. حوزه‌های علمیه با ظرفیت علمی، تربیتی و فرهنگی خود می‌توانند این هدایت را به شکل مستمر و هدفمند فراهم آورند. ضرورت انجام این پژوهش نیز از دو جهت قابل تأمل است: نخست، نیاز به همگامی محتوای دینی مدارس با آموزه‌های اصیل حوزه‌ای و بازنگری علمی و عملی برنامه‌ها؛ و دوم، ضرورت نهادینه‌سازی تعامل میان معلمان و روحانیان برای ایجاد محیط آموزشی اخلاق‌مدار و دینی، که بتواند اهداف تربیت اسلامی را به شکل پایدار تحقق بخشد. بدون این تعامل، آموزش دینی مدارس ممکن است سطحی، تقلیدی یا ناکارآمد باشد و اثرگذاری واقعی تربیت اخلاقی را محدود سازد. وجه تمایز این پژوهش با مطالعات پیشین در بررسی همزمان ابعاد آموزشی، تربیتی، فرهنگی و راهبردی نقش حوزه در مدارس نهفته است؛ به گونه‌ای که ضمن تحلیل ساختارها و فعالیت‌های حوزه، به ارائه راهکارهای کاربردی برای تقویت هدایت دینی و اخلاقی در مدارس نیز می‌پردازد و چارچوبی جامع و عملیاتی برای پژوهش‌های آینده فراهم می‌آورد.

۱- مفهوم شناسی:

۱-۱ هدایت در لغت و اصطلاح:

هدایت از ریشه عربی «هَدَى» گرفته شده و در فارسی به معنای «رهنمودن، راه نشان دادن، راه راست نمودن، ارشاد و راهنمایی» به کار می‌رود. در لغت‌نامه دهخدا، هدایت به معنی «رهنمودن و راه نمودن، راهنمایی و ارشاد، دلالت بر خیر و صلاح، و نجات از گمراهی» آمده است. (دهخدا، ۱۳۶۱، ج ۶، ص ۸۲۴۵)

در فرهنگ فارسی معین نیز هدایت چنین معنا شده است: «راهنمایی کردن، راه راست نمودن، ارشاد و راه بردن». (معین، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۱۲۳)

همچنین عمید در فرهنگ خود هدایت را «رهنمود، راهنمایی، دلالت بر راه راست و دور کردن از خطا و گمراهی» دانسته است. (عمید، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۵۹۴)

در زبان عربی نیز «هدایت» در اصل از ریشه ثلاثی «هَدَى - يَهْدِي - هِدَايَةٌ» گرفته شده و در لغت عرب به معنای «إِرْشَادُ الطَّرِيقِ وَ الدَّلَالَةُ عَلَيْهِ» یعنی «راهنمایی به راه و دلالت بر آن» آمده است. در لسان‌العرب ابن منظور آمده است: «هدی دلالت و راهنمایی است به سوی آنچه به مقصود می‌رساند، و هدایت ارشاد به راه درست است». (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۳۶۱)

در مفردات الفاظ القرآن راغب اصفهانی نیز آمده است: «هدایت، راهنمایی همراه با لطف است به سوی مقصود» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۳۲)

در اصطلاح نیز، هدایت به معنای رساندن انسان به حقیقت و راه نیکو و دوری از مسیرهای نادرست آمده است. (طبرسی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۲). در این دیدگاه، هدایت نه تنها یک فرایند آموزشی بلکه عاملی برای رشد معنوی و اخلاقی انسان محسوب می‌شود و در جهت تعالی روحی و اخلاقی فرد کاربرد دارد.

در حوزه روانشناسی و علوم تربیتی، هدایت به معنای فرایندی هدفمند برای کمک به افراد جهت شناخت توانایی‌ها، حل مشکلات و اتخاذ تصمیمات صحیح تعریف می‌شود. (گنجی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۴۵) هدایت در این حوزه نقش مهمی در توسعه فردی و رشد شخصیتی انسان دارد و شامل مشاوره، راهنمایی تحصیلی و شغلی و آموزش مهارت‌های زندگی است.

براساس نظریه‌های روانشناسی تربیتی، هدایت به افراد کمک می‌کند تا با شناخت نقاط قوت و ضعف خود، اهداف واقعی و متناسب با توانایی‌های خود را دنبال کنند و با کاهش خطاهای شناختی، مسیر موفقیت و رضایت شخصی را هموار سازند. (صفوی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۷۸) این تعریف نشان می‌دهد هدایت تنها ارائه دستورالعمل نیست، بلکه یک فرایند تعاملی و حمایتی است که فرد را قادر می‌سازد مسیر صحیح را انتخاب کند.

در حوزه مدیریت نیز، هدایت به معنای رهبری، هدایت و هماهنگی منابع انسانی و فرایندها به سوی تحقق اهداف سازمانی است. مدیران با استفاده از ابزارهای هدایت، انگیزش، ارتباطات و کنترل، افراد را به سمت عملکرد مطلوب و دستیابی به اهداف کلان سازمان هدایت می‌کنند. (رابینز، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۱۱۲)

۲-۱ اخلاق در لغت و اصطلاح

«اخلاق» در لغت، جمع «خُلُق» یا «خُلُق» است؛ الخُلُق، اصلش اندازه‌گیری و تدبیر و نظم مستقیم و استوار در امور است. واژه خُلُق در معنی نو آفرینی و ایجاد چیزی بدون اینکه آن چیز سابقه وجودی داشته باشد و ایجادش بدون نمونه داشتن باشد بکار می‌رود. همچنین در معنی پیدایش و ایجاد چیزی بکار می‌رود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۶۳۳)

خُلُق یا خُلُق به معنای صفتی است که در نفس انسان به صورت «ملکه» درآمده است. «ملکه» به صفتی گفته می‌شود که در روح و جان انسان چنان نفوذ کرده و راسخ شده است که آثار و افعال و رفتار مناسب با آن صفت، خود به خود و بدون تأمل و درنگ، از انسان صادر می‌شود؛ مثلاً، وقتی صفت تواضع و فروتنی در شخصی به حد ملکه می‌رسد، به صورت خودکار، در جای مناسب، تواضع به خرج می‌دهد. (غروی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۵) بر این اساس، «اخلاق» از نظر لغوی، به مجموعه فضایل و رذایلی اطلاق می‌شود که در انسان به صورت ملکه درآمده است. (همان)

همچنین «خُلُق» را صفت نفسانی راسخ نیز می‌گویند که انسان، افعال متناسب با آن صفت را بی‌درنگ، انجام می‌دهد. مثلاً فردی که دارای «خُلُق شجاعت» است، در رویارویی با دشمن، تردید به خود راه نمی‌دهد. (دیلمی، ۱۳۸۰، ص ۱۵)

قرشی در قاموس قرآن می‌نویسد: «خلق (بر وزن قفل و عنق) به معنی عادت و طبع و مروت و دین است.»

(قرشی، ۱۴۱۲ق،، ج ۲، ص ۲۹۳)

در مجمع البحرین نیز با تعریفی نزدیک به سایر تعاریف، آن را حالت نفسانی دانسته که اعمال به راحتی از آن صادر می‌شود. (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۱۵۷)

اخلاق در اصطلاح، نظام ارزشی و هنجاری است که انسان می‌باید اعمال و منش خود را برای دستیابی به کمال و تعالی، براساس دستورها و توصیه‌های آن تنظیم کند. (علیزاده، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۱)

همچنین اخلاق در معانی ذیل به کار می‌رود:

الف- صفت نفسانی پایدار: گاهی مراد از واژه «اخلاق» همان معنای لغوی است؛ یعنی: صفتی که در نفس، به صورت ملکه در آمده است؛ مثلاً، وقتی می‌گوییم: فلان شخص متخلّق به اخلاق فاضله است، مرادمان این است که فضایی در نفس او به صورت ملکه درآمده‌اند. (غرویان، ۱۳۷۹، ص ۲۶)

ب- صفت ناپایدار و زودگذر: گاهی منظور از واژه «اخلاق» بیان این نکته است که کار یا رفتاری مناسب با فضایل یا رذایل است، هرچند آن رفتار، برخاسته از ملکه نفسانی نبوده، بلکه رفتاری موقتی و گذرا باشد. (همان)

ج- کارها و صفات نیک: مراد از اصطلاح سوم در واژه اخلاق، صرفاً حالات یا ملکات خوب و پسندیده است؛ مثل این که می‌گوییم: دروغ گفتن ضد اخلاق است. در این جا، اخلاق را صرفاً شامل کارهای پسندیده دانسته‌ایم. طبق این اصطلاح، فرقی بین حال و ملکه نیست و واژه اخلاق به معنای اخلاق فاضله، شامل حالات و ملکات پسندیده- هر دو- می‌شود.

۳-۱ هدایت دینی:

هدایت دینی یکی از مفاهیم بنیادین در اندیشه اسلامی است که به معنای رهنمود و راهنمایی انسان‌ها به سوی کمال معنوی، سعادت اخروی و نزدیک شدن به خداوند متعال تعریف می‌شود؛ این هدایت از طریق وحی، پیامبران، اهل بیت (علیهم‌السلام) و آموزه‌های دینی به انسان‌ها ارائه می‌شود و نقش اساسی در رشد اخلاقی و معنوی انسان دارد. هدایت در منابع دینی هم به صورت مستقیم و هم به شکل غیرمستقیم آمده است و هدف آن هدایت انسان‌ها به سوی مسیر درست و تحقق ارزش‌های اخلاقی و معنوی است.

۳-۳ نقش فرهنگی و اجتماعی

در جامعه امروز که با چالش‌هایی همچون تهاجم فرهنگی، بحران هویت و گسترش ارزش‌های مصرف‌گرایانه روبه‌رو است، نقش فرهنگی حوزه‌های علمیه در مدارس اهمیت مضاعفی می‌یابد. حوزه‌ها با تکیه بر میراث فکری اسلام، وظیفه دارند هویت دینی و ملی دانش‌آموزان را تقویت کنند. آنان از طریق برنامه‌هایی نظیر برگزاری جشن‌های مذهبی، همایش‌های اعتقادی، نشست‌های بصیرتی، مسابقات فرهنگی و اردوهای زیارتی، به بازتولید فرهنگ دینی در محیط مدارس کمک می‌کنند. (روحانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۱۸)

این فعالیت‌ها نه تنها جنبه‌ی مناسبی دارند، بلکه کارکرد تربیتی و هویتی نیز دارند؛ زیرا در بطن خود، نوعی بازآفرینی جمعی از ارزش‌های اسلامی را رقم می‌زنند. حوزه علمیه با حضور فعال در این عرصه، مانع از شکاف میان نسل جوان و فرهنگ دینی می‌شود. در واقع، مدارس امروز در خط مقدم تقابل فرهنگی قرار دارند و حضور حوزه در آن‌ها، به معنای حضور اندیشه اصیل اسلام در صحنه تربیت نسل آینده است. (واعظزاده خراسانی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۶۴)

۳-۴ نقش پژوهشی و راهبردی

در سطح راهبردی، حوزه علمیه تنها نقش مبلغ یا مربی را ایفا نمی‌کند، بلکه به عنوان بازوی فکری و پژوهشی نظام تعلیم و تربیت اسلامی شناخته می‌شود. نهادهایی همچون «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه»، «دفتر همکاری حوزه و آموزش و پرورش» و «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» با مشارکت حوزه‌ها، مأموریت یافته‌اند تا نظام درسی مدارس را بر پایه‌ی مبانی معرفتی اسلام طراحی کنند. (مهدوی‌زادگان، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۹۱)

در این سطح، حوزه علمیه به تولید نظریه در باب تربیت اسلامی می‌پردازد و از طریق پژوهش‌های بنیادین، مبانی انسان‌شناسی و اخلاقی تعلیم و تربیت اسلامی را تبیین می‌کند. نتایج این پژوهش‌ها، در تدوین اهداف تربیتی، محتوای کتب درسی و برنامه‌های پرورشی به کار می‌رود. به عنوان نمونه، طرح‌هایی مانند «تعمیق باورهای دینی در مدارس» یا «تربیت مربی پرورشی از میان طلاب» بر اساس همین پژوهش‌های حوزوی طراحی شده‌اند. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۷۷)

به علاوه، حوزه‌های علمیه با بررسی آسیب‌های تربیت دینی در مدارس، نقش نقادانه و اصلاح‌گرانه نیز دارند. این نقدها نه از موضع تقابل، بلکه با هدف بازگشت آموزش رسمی به مسیر اصیل اسلامی انجام می‌شود.

۳-۵ نقش الگوسازی و هدایتی

مؤثرترین و در عین حال ظریف‌ترین نقش حوزه علمیه در هدایت مدارس، نقش الگوسازی و هدایتی است. هدایت دینی زمانی تحقق می‌یابد که دانش‌آموز در کنار آموزش نظری، الگوی عینی از دینداری را در رفتار مربیان و روحانیان مشاهده کند. در این حالت، تربیت از سطح انتقال مفاهیم به سطح درونی‌سازی ارزش‌ها ارتقا می‌یابد. روحانیان حاضر در مدارس، نماد عینی پیوند علم و عمل‌اند. آنان در تعامل روزمره با دانش‌آموزان، روح ایمان، صداقت، تواضع، نظم و خیرخواهی را منتقل می‌کنند. به تعبیر علامه طباطبایی، «هدایت دینی در صورتی مؤثر است که در جان هدایتگر تحقق یافته باشد». (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۲) این حضور معنوی، اثرگذارتر از هر برنامه رسمی یا درسی است.

از منظر جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت، وجود چنین الگوهایی در مدارس، فرآیند «درونی‌سازی ارزش‌ها» را تسهیل می‌کند؛ یعنی ارزش‌های اخلاقی نه از طریق اجبار، بلکه از راه مشاهده، همراهی و تأثیر شخصیتی منتقل می‌شوند. حوزه علمیه با پرورش طلابی که واجد شخصیت دینی و اخلاقی‌اند، در واقع نیروی انسانی لازم برای تحقق این نوع هدایت را فراهم می‌سازد.

با توجه به تحلیل محورها می‌توان گفت حوزه علمیه در هدایت دینی و اخلاقی مدارس، نقشی چندلایه، پیوسته و نظام‌مند دارد. این نقش از سطح نظریه‌پردازی تا سطح عمل، از عرصه آموزش تا اخلاق، و از تربیت فردی تا بازسازی فرهنگی امتداد می‌یابد.

اگر مدارس، بستر شکل‌گیری شخصیت اجتماعی آینده‌اند، حوزه‌های علمیه منبع الهام‌بخش معنوی آنان محسوب می‌شوند. پیوند این دو نهاد، می‌تواند ضامن استمرار تربیت دینی در نسل‌های آینده باشد؛ به شرط آن‌که این تعامل بر پایه‌ی شناخت متقابل، احترام علمی و بازنگری مستمر در روش‌های تربیتی استوار گردد.

نتیجه گیری:

تحلیل نقش حوزه علمیه در هدایت دینی و اخلاقی مدارس نشان می‌دهد که این نهاد دینی، فراتر از انتقال دانش دینی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی نگرش‌ها، رفتار و منش اخلاقی دانش‌آموزان دارد. حضور فعال روحانیان و طلاب در مدارس، همراه با طراحی محتوای آموزشی متناسب با نیازهای نسل جدید، موجب می‌شود ارزش‌های دینی و اخلاقی نه به شکل صرفاً نظری، بلکه به صورت عملی و ملموس در زندگی روزمره دانش‌آموزان جاری شود. این امر به ویژه در دوره نوجوانی و جوانی اهمیت دارد، زیرا این دوره حساس‌ترین مرحله شکل‌گیری هویت دینی و اخلاقی است و نقش مربیان و الگوهای عملی در تثبیت باورها و رفتارها برجسته می‌شود. تحلیل یافته‌ها همچنین حاکی است که هدایت دینی و اخلاقی در مدارس بدون تعامل هدفمند، ساختاری و مستمر میان حوزه و آموزش و پرورش نمی‌تواند اثر پایدار داشته باشد. هماهنگی نهادی، تربیت معلمان و روحانیان تلفیقی، و برنامه‌ریزی مشترک تربیتی و فرهنگی، ابزارهایی حیاتی هستند که امکان تحقق هدایت دینی و اخلاقی عمیق و مؤثر را فراهم می‌کنند. در غیاب چنین تعامل و هماهنگی، آموزش دینی مدارس ممکن است سطحی، تقلیدی یا ناکارآمد باقی بماند و اثرگذاری واقعی تربیت اخلاقی محدود شود. یکی از دستاوردهای مهم پژوهش این است که نشان می‌دهد هدایت دینی و اخلاقی در مدارس نیازمند یکپارچگی میان نظریه و عمل، محتوای آموزشی و الگوسازی رفتاری است. حوزه علمیه، با تلفیق دانش دینی، الگوسازی اخلاقی و مشارکت فعال در فرآیند تربیت، می‌تواند زمینه‌ساز پرورش نسلی متعهد، اخلاق‌مدار و آگاه باشد. چنین نسلی قادر خواهد بود ارزش‌های دینی را در زندگی شخصی و اجتماعی خود به شکلی عملی پیاده کند و در نتیجه، فرهنگ دینی جامعه را بازتولید و تعمیق کند. همچنین پژوهش نشان می‌دهد که تداوم اثرگذاری حوزه بر مدارس مستلزم برنامه‌ریزی راهبردی و بلندمدت است. این برنامه‌ریزی شامل بازنگری مداوم محتوای دروس دینی، تقویت مهارت‌های تربیتی و مشاوره‌ای روحانیان، و ایجاد فرصت‌های آموزش و فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی مشترک میان مدارس و حوزه‌ها است. بهره‌گیری از این راهکارها، نه تنها باعث ارتقای کیفیت هدایت دینی و اخلاقی می‌شود، بلکه موجب شکل‌گیری محیطی آموزشی می‌گردد که دانش‌آموزان در آن ارزش‌ها را تجربه و درونی می‌کنند، نه صرفاً حفظ و تکرار. در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که حوزه علمیه به‌عنوان یک نهاد علمی، تربیتی و فرهنگی، ظرفیت بی‌نظیری برای تقویت هدایت دینی و اخلاقی مدارس دارد.

فهرست منابع:

* قرآن کریم

۱. ابن منظور، م. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (ج ۱۵). بیروت: دار صادر.
۲. جعفریان، ر. (۱۳۷۸). تاریخ تشیع در ایران و جهان اسلام (ج ۲، ص ۵۵). قم: انتشارات انصاریان.
۳. جوادی آملی، ع. (۱۳۹۲). تفسیر موضوعی قرآن کریم: هدایت در قرآن (ج ۱۶). قم: انتشارات اسراء.
۴. حسنی، ی؛ فقیهی، س. (۱۳۹۶). «هدف غایی تربیت اخلاقی در قرآن از منظر تفسیر المیزان». معرفت، سال ۲۶، شماره ۵ (ج ۲۶)، ص ۱۳.
۵. حسینی، م. (۱۳۹۳). نقش حوزه‌های علمیه در آموزش دینی مدارس (ج ۱، ص ۴۲). قم: پژوهشگاه حوزه و آموزش و پرورش.
۶. دهخدا، ع. (۱۳۶۱). لغت‌نامه دهخدا (ج ۶). تهران: دانشگاه تهران.
۷. دیلمی، ا. (۱۳۸۰). اخلاق اسلامی، قم، دفتر نشر معارف، چاپ دوم.
۸. رابینز، ا.پ. (۱۳۸۶). اصول مدیریت (ج ۳). تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
۹. راغب اصفهانی، ح. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دارالعلم.
۱۰. روحانی، م. (۱۳۷۵). تاریخ حوزه علمیه قم (ج ۱، ص ۱۱۲). قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۱. سعدی، ن. (۱۳۸۹). مدیریت منابع انسانی و هدایت سازمانی (ج ۲). تهران: انتشارات سمت.
۱۲. صفوی، م. (۱۳۹۰). روان‌شناسی تربیتی و مشاوره (ج ۱). تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۳. طباطبایی، س.م.ح. (۱۳۷۸). تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱۰، ص ۸۶). تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۱۴. طبرسی، ف.ب. (۱۳۶۲). ترجمه تفسیر مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن (ج ۱). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. طریحی، ف. (۱۴۱۶ق)، مجمع البحرین، (ج ۵)، تهران، مرتضوی، چاپ سوم.
۱۶. علیزاده، م. (۱۳۸۹)، اخلاق اسلامی مبانی و مفاهیم، (ج ۱)، قم، دفتر نشر معارف، چاپ اول.
۱۷. عمید، ح. (۱۳۸۲). فرهنگ فارسی عمید (ج ۱). تهران: امیرکبیر.
۱۸. غروی‌ان، م. (۱۳۷۹)، فلسفه اخلاق، (ج ۱)، قم، نشر پیک جلال.

۱۹. فقیه‌نیریزی، ا. (۱۳۹۰). انوار هدایت: مجموعه مباحث اخلاقی، تهران: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع).
۲۰. قرشی، ع. ا. (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، (ج ۲)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
۲۱. گنجی، ع. (۱۳۸۴). اصول مشاوره و راهنمایی تحصیلی (ج ۲). تهران: انتشارات سمت.
۲۲. مددپور، م. (۱۳۷۲). حکمت هنر و زیبایی در اسلام (ج ۱، ص ۸۰). تهران: سروش.
۲۳. مدرسی طباطبایی، س.م. (۱۳۶۸). مکتب در فرآیند تکامل (ج ۱، ص ۹۴). تهران: انتشارات کویر.
۲۴. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور). (۱۳۹۶). «امتیازات نظام اخلاقی دینی» (ج ۱، ص ۷۲). قم: پایگاه حوزه.
۲۵. معین، م. (۱۳۷۷). فرهنگ فارسی معین (ج ۲). تهران: امیرکبیر.
۲۶. مهدوی‌زادگان، م. (۱۳۸۶). بررسی تطور تاریخی نهاد حوزه علمیه شیعه (ج ۱، ص ۴۲). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.